



امامت، هدایت باطنی انسانها به ملکوت/ حضرت ابراهیم(ع) شیعه کیست؟

آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیه 124 سوره بقره، به سرّ دعای حضرت ابراهیم(ع) برای فرزندانش اشاره کرد و گفت: اینک ابراهیم(ع) مرتب....

تفسیر قرآن؛

امامت، هدایت باطنی انسانها به ملکوت/ حضرت ابراهیم(ع) شیعه کیست؟

آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیه 124 سوره بقره، به سرّ دعای حضرت ابراهیم(ع) برای فرزندانش اشاره کرد و گفت: اینک ابراهیم(ع) مرتب از خدای سبحان ذریه صالح طلب می کند، برای آنست که به سرنوشت نوح مبتلا نشود. به گزارش خبرگزاری مهر آیت الله جوادی آملی در بخشی از تفسیر آیه 124 سوره بقره و اِذِ ابْتَلٰی اِبْرٰهٖمَ رَبُّهُ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهَنْ قَالَ اِنِّیْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِیْ قَالَ لَا یَتَالُ عَهْدِیْ الظَّالِمِیْنَ که ناظر به بحث امامت است، می گوید: ... بحث در مسئله امامت ابراهیم(ع) است که خدای سبحان بعد از اتمام کلمات او را به مقام امامت رساند و این امامت را برای او جعل کرد. گرچه لغتاً «امام« یعنی پیشوا، اما در این آیه کریمه به چه معنا خواهد بود؟ آیا امامت به معنای نبوت است از این جهت که پیغمبر پیشواست؟ چه اینکه بعضی احتمال دادند. یا امامت به معنای قدوه و الگو بودن است غیر از معنای نبوت یا به معنای اُسوه اُنَبِیاء بودن است، نه اُسوه مردم؟ ابراهیم(ع) در اواخر عمر به جایی رسید که اُسوه انبیا بعدی شد نه تنها قدوه اُمّت بود بلکه امام الانبیاء بود. این معنای اوّل و همچنین معنای دوّم ابطال شد؛ زیرا قبلاً ابراهیم(ع) دارای نبوت بود و این در دوران پیری جعل نشد در حالیکه امامت در دوران پیری جعل شد، پس امامت به معنای نبوت نیست. معنای دوم هم ابطال شد برای اینکه ابراهیم(ع) همراه با نبوتش اُسوه بودن و قدوه بودن را دارا بود.

معنای سوّم هم ابطال شد برای اینکه ظاهر انی جاعلک للناس اماماً قال و من ذریتی قال لاینال عهّدی الظالمین آنست که ابراهیم(ع) یک معنا را از خدای سبحان دریافت کرد و همان معنا را برای ذریه اش مسئلت کرد و خدای سبحان همان معنا را نسبت به ذریه عادل او اجابت کرد، پس باید برای امامت یک معنایی قائل شد، یعنی مصداقی بیان کرد که آن مصداق، هم در ابراهیم(ع) باشد که قبلاً نبود و هم در ذریه عادل او. اگر امامت به معنای قدوه اُنَبِیاء بودن باشد که «امام الانبیاء« باشد، این ممکن است برای خود ابراهیم(ع) تثبیت و تصور بشود. اما با آیه سازگار نیست برای اینکه خدای سبحان فرمود: انی جاعلک للناس اماماً نه «للالنبیاء«؛ این یکی و ثانیاً ذریه او که عادلند و این دعا در حقّ آنها مستجاب شد، آنها «امام الانبیاء« نبودند؛ چون یکی از بهترین ذرّیه او وجود مبارک پیغمبر است او دیگر امام الانبیاء نیست یا یکی از بهترین ذریه او خاتم الاوصیاء است که ولی عصر(ارواحنا فداه) است او دیگر «امام الانبیاء« نیست و نمی شود گفت که امامتی که خدا برای ابراهیم جعل کرد امامت انبیاست و امامتی که به ذریه او افاضه کرد معنای دیگر یا مصداق دیگر باشد این عقلاً محال نیست ولی با ظهور سیاقی و وحدت سیاقی سازگار نیست. گذشته از آنکه این مقام یعنی مقام امام الانبیاء بودن مال ابراهیم نیست.

عصمت، شرط نیل همه عهدهای الهی

این مفسر قرآن در بخشی دیگر از تفسیر آیه 124 بقره به بحث عصمت امام اشاره کرده و یادآور می شود: ... از مجموع سؤال و جواب استفاده شد که خدای سبحان ابراهیم(ع) را به مقام امامت رساند و ابراهیم(ع) این امامت را برای ذریه اش مسئلت کرد و خدای سبحان نسبت به ذریه ظالم او، جواب منفی داد که امامت به آنها نمی رسد، نسبت به ذریه عادل و محسن آنها جواب مثبت داد که امامت به آنها می رسد. به سه دلیل امامت که عهد خداست به ظالم نمی رسد؛ معصیت کار ظالم است، خواه ظلم به نفس کند، خواه ظلم به غیر، خواه ظلم به خدا، در همه موارد بر فاسق و بر عاصی، «ظالم« صادق است و امامت که عهد الهی است به ظالم نمی رسد.

وی تصریح می کند: ... گرچه بحث در محور امامت است ولی همانطوری که ظالمین، خواه از ذریه ابراهیم، خواه از ذریه دیگران از امامت محرومند، عهد خدا هم خواه امامت، خواه نبوت، خواه رسالت، خواه وصایت، خواه خلافت به ظالمین نمی رسد. گرچه بحث در امامت است، اما خدای سبحان امامت را مصداق عهد بیان کرده است نه مفهوم عهد، فرمود: لاینال عهّدی الظالمین؛ نه تنها امامت به ظالمین نمی رسد بلکه اصل عهد من به ظالمین نمی رسد. اگر سؤال خاصّ است جواب عامّ است و این با خصوصیات سؤال، منافات ندارد. اگر ابراهیم عرض کرد: خدایا این امامت را به ذریه من بده! خدا یک اصل کلی بگوید، بفرماید به اینکه نه تنها امامت بلکه هیچ عهدی از عهود من به هیچ ظالمی از ظالمان نمی رسد، خواه آن ظالم ذریه تو باشد، خواه دیگری، خواه آن عهد، امامت باشد خواه چیز دیگر؛ پس اگر کسی خواست مدّعی نبوت باشد یا خلافت باشد یا مدّعی وصایت باشد یا مدّعی رسالت باشد می توان با لاینال عهّدی الظالمین ابطال کرد؛ چون عهد مساوق با امامت نیست، امامت زیر پوشش عهد است.

آیت الله جوادی آملی در ادامه تأکید می کند: خدای سبحان فرمود: عهد من، به ظالم نمی رسد. آن وقت يك صغري و كبري. استنتاجش این است که امامت عهد است، عهد به ظالمین نمی رسد؛ امامت به ظالمین نمی رسد، نبوت عهد خداست، عهد خدا به ظالم نمی رسد؛ نبوت به ظالم نمی رسد، و هكذا خلافت و هكذا وصایت و هكذا رسالت، هرچه عهد شد و اگر ما از محدوده ذریه ابراهیم و امامت، بیرون رفتیم، این نه به آن معناست که خصوصیت سؤال و جواب را رعایت نکردیم؛ نه، خصوصیات محفوظ است منتها خدای سبحان دو تا ضابطه کلی بیان کرد. ابراهیم عرض کرد که ذریه مرا به امامت برسان، خدای سبحان فرمود: آن ذریه که معصومند امامت به آنها می رسد ولی عهد من چه امامت چه غیر امامت به ظالم؛ چه ذریه تو، چه غیر ذریه تو نمی رسد. پس هم ظالمین مطلق است، عام است غیر ذریه حضرت را هم شامل می شود، هم عهد مطلق است، غیر امامت را شامل می شود. لاینال عهدي أي عهد کان، ظالمین را، و چه عهدي بالاتر از نبوت و چه عهدي بالاتر از خلافت و اگر چنانچه فرشتگان (در برابر اتي جاعل في الارض خليفة) به خدای سبحان عرض کردند که نحن نستبح بحمدك و نقدس لك؛ یعنی خلیفه تو باید منزه و اهل تسبیح باشد ما اینچنین هستیم. خدای سبحان فرمود به اینکه من کسی که یفسد فی الارض و یسفك الدماء او را خلیفه می کنم، فرمود: من کسانی را خلیفه می کنم که شما نمی دانید، شرط خلافت من عالم أسما شدن است و گرنه آن که اهل سفك دماء است و افساد فی الارض، او مرجوم است او خلیفه نخواهد بود. همانطوری که خلافت، به علم أسما متکی است. اینجا هم عهد به عصمت متکی است لاینال عهدي الظالمین. بنابراین اگر کسی معصوم نبود، داعیه یکی از این عهود الهیه را داشت، خواه نبوت، خواه رسالت، خواه وصایت، خواه خلافت، خواه امامت محروم خواهد بود به این دلیل.

حضرت ابراهیم(ع) شیعه حضرت نوح(ع) / سلام جهانی خدا بر حضرت نوح(ع)

وی در بخشی دیگر از تفسیر این آیه بر پیروی حضرت ابراهیم(ع) از حضرت نوح اشاره دارد و می گوید: ... گرچه در بعضی از قسمتهای قرآن خدای سبحان به پیغمبر فرمود: و اتبع ملة ابراهيم اما وقتي درباره خود ابراهیم(ع) بحث می کنیم می بینیم خدای سبحان او را 171#&؛ امت نوح؛ می داند، می فرماید: و ان من شیعتہ لإبراهیم اما خود ابراهیم(ع) را جزء شیعیان نوح می داند. شیعه یعنی پیرو، وقتی يك گروهی از يك کسی پیروی کردند، مکتب او شیوع پیدا می کند از این جهت آنها را شیعه می نامند و خدای سبحان ابراهیم(ع) را جزء شیعیان نوح معرفی کرد فرمود: و ان من شیعتہ لإبراهیم. لذا سلامی که بر نوح فرستاد بر هیچ پیغمبری نفرستاد، درباره سایر انبیا فقط سلام می فرستاد، می فرماید: سلام علی ابراهیم سلام علی موسی و هارون ولی درباره نوح(ع) می فرماید: سلام علی نوح فی العالمین؛ یعنی الآن الی یوم القیامه، هر کس هر کار خیر انجام می دهد نوح(ع) در آن کار سهیم است؛ زیرا کسی که تقریباً ده قرن رنج دید ۹۵۰ سال رنج دید، تا توانست این فکر را در بین بشریت تثبیت کند الی یوم القیامه، هر کس هر کار خیر انجام داد جزء آثار خیر نوح(ع) هم هست، منتها در اثر بدی فرزند نوح این رشته قطع شد.

سرّ دعای حضرت ابراهیم برای فرزندانش

آیت الله جوادی آملی در ادامه تفسیر این آیه به سرّ دعای حضرت ابراهیم برای فرزندانش اشاره کرده و می گوید: ... اینکه ابراهیم(ع) مرتب از خدای سبحان ذریه صالح طلب می کند، هر جا، جایی دعای خیر است فوراً در آنجا از خدا ذریه صالح طلب می کند، هر جا جایی استجاب دعاست به فکر بچه های خود هست، برای آنست که به سرنوشت نوح مبتلا نشود و اگر نبود آن جریان نوح: ائه عمل غیر صالح، این رشته در دودمان نوح می ماند و او می شد سرسلسله انبیا، چه اینکه هست ولی چون فرزند صالح نداشت خدای سبحان این نعمت را از آن خاندان قطع کرد و برای اینکه ابراهیم(ع) به آن سرنوشت مبتلا نشود، شما ملاحظه می فرمائید در شدیدترین حال که انسان قلبش می شکند و در آن حال دعا مستجاب است می بینیم دعای ابراهیم(ع) درباره فرزندانش خود است. آنجا که هجرت کرده است به يك سرزمینی که اُحدي در آن سرزمین نبود آنجا به فکر بچه ها بود، عرض کرد: رب اجعلنی مقيم الصلاة و من ذرّیتی؛ خدایا بچه های مرا اهل نماز کن! آنها را مقيم صلات کن که آنها در جامعه نماز را زنده کنند! خدایا این توفیق را بده که من از بت پرستی بپرهیزم بچه های من هم بت پرست نباشند! و اجنبی و بنیّ اُن نعبد الأصنام؛ در تمام آن حالات حسّاس که حضرت رنجهای فراوان دید و قلبش شکست و در حال شکستگی قلب دعا مستجاب است، آنجا وقتی دعا می کند به فکر بچه های خودش است که مبادا سرنوشت ابراهیم(ع) همانند سرنوشت نوح(ع) بشود که این دودمان منقرض بشود. و خدای سبحان هم فرمود: ان تتولوا یستبدل قوماً غیرکم ثم لایکونوا أمثالکم؛ به يك عده ای که متنعمند می فرماید: اگر شما حق شناسی نکردید ما نعمت را از خاندان شما می گیریم به دیگران می دهیم: و ان تتولوا یستبدل قوماً غیرکم ثم لایکونوا أمثالکم.

وی تأکید می کند: براساس داشتن فرزند صالح است که خدای سبحان می فرماید: وجعلها كلمة باقية فی عقبه، الآن نام ابراهیم(ع) زنده است و نام نوح(ع) زنده نیست، نه برای آن است که نوح سرسلسله نیست و ابراهیم سرسلسله است، برای اینکه نوح سرسلسله است منتها دودمان او شایسته نبودند که این مقام والا را حفظ بکنند از این جهت آنکه 171#&؛ امام الانبیا و الاولیاء؛ است نوح(ع) است؛ زیرا گرچه ابراهیم سرسلسله بسیاری از انبیا است، ولی قرآن روشن کرد که خود ابراهیم(ع) جزء شیعیان نوح است: و ان من شیعتہ؛ یعنی 171#&؛ و ان من اتباعه لإبراهیم(ع)؛ لذا قبلش فرمود: سلام علی نوح فی العالمین...

نقد تفسیر امامت به زعامت سیاسی - اجتماعی

صاحب کتاب #171؛ مفاتیح الحیات؛ در ادامه تفسیر آیه 124 سوره بقره، حصر امامت به زعامت سیاسی - اجتماعی را رد کرده و می گوید: ... امام یعنی زعیم و رهبر و سرپرست یعنی کسی که حکومت تشکیل می دهد. این معنا فی نفسه می تواند مصداقی از مصادیق امامت باشد و امام باشد الا اینکه لازم هاش آن است که قبلاً ابراهیم (ع) دارای این مقام نبود؛ این يك؛ و در دوران پیری به این مقام رسیده باشد، این دو؛ و ذریه او هم در اثر استجاب دعا به این مقام رسیده باشند، سه؛ ولو آن مقام مصداق ضعیف ترش باشد. اگر چنانچه ابراهیم (ع) قبلاً دارای رهبری و زعامت بود دیگر نمی شود گفت این امامتی که در دروان پیری برای حضرت جعل شد، امامت به معنای رهبری است، این يك؛ و اگر قبلاً امام به معنای زعیم و رهبر نبود ولی در دوران پیری هم امامت نداشت، حکومت نداشت باز هم نمی توان این امامت را به معنای رهبری و زعامت تطبیق کرد، این دو؛ یا اگر در دوران پیری حکومت تشکیل داد، ولی ذریه صالح و عادل او به مقام امامت نرسیدند، مگر بعضی از اینها؛ در حالی که خدای سبحان دعای ابراهیم (ع) را نسبت به همه ذریه او که عادل باشند اجابت کرد. اگر همه ذریه ای که عادلند به امامت به معنای رهبری نرسیدند، معلوم می شود اینجا امامت به معنای رهبری نیست.

آیت الله جوادی آملی در بخشی دیگر از تفسیر این آیه تصریح می کند: ... نمی شود به اینکه ما بگوئیم امامتی که برای ابراهیم (ع) است، امامت به معنای رهبری است، اما امامتی که برای ذریه اوست به معنای نبوت است که در جامع انتزاعی بعید با هم شریک باشند، گرچه نبی امام است، رسول امام است و آن کسی که هدایت رهبری دارد امام است، آن کسی که اسوه همه انبیا هست، امام است؛ اما وقتی ابراهیم، امامت را دریافت کرد همان معنا را که دریافت کرد برای ذریه خود مسئلت کرد، باید همان معنا برای ذریه عادل او حاصل بشود ولو ضعیف تر. همان طوری که انبیا یکسان نیستند، مرسلین یکسان نیستند، ائمه هم یکسان نیستند، اما مسیر امامت و مسیر رسالت و مسیر نبوت مشخص است. اگر کسی در عداد انبیاست باید از نبوت سهمی داشته باشد ولو نبوت ضعیف، اگر کسی در عداد مرسلین است باید از رسالت سهمی داشته باشد ولو ضعیف، اگر کسی در عداد ائمه است باید از امامت سهمی داشته باشد ولو ضعیف. این امامتی که ابراهیم (سلام الله علیه) از خدای سبحان دریافت کرد همین معنا را برای ذریه اش مسئلت کرد نه یعنی امامت به معنای نبوت را برای ذریه مسئلت کرده باشد. وقتی خدای سبحان فرمود: إني جاعلك للناس اماما، ابراهیم عرض کرد: و من ذریتی؛ یعنی همین را که به من دادی به ذریه من هم بده؛ آنگاه خدای سبحان بفرماید به اینکه لاینال عهدي الظالمین یعنی این معنا را به ذریه ظالمت نمی دهم ولی به ذریه عادلتم می دهم. نه اینکه بعضی از ذریه ات را پیغمبر می کنم و امام نمی کنم و امامتی که برای آنها است امامت نبوتی باشد نه امامت رهبری؛ این محال نیست ولی بر خلاف سیاق است، برخلاف ظهور است.

وی در ادامه تفسیر آیه 124 سوره بقره به زمینه علمی و عملی دستیابی به مقام امامت اشاره کرده و می گوید: ... #171؛ شهود و یقین؛ زمینه علمی و #171؛ صبر؛ زمینه عملی نیل به مقام امامت انسان کامل است. اما چگونه اینها به مقام امامت می رسند؟ چطور می شود که اینها ائمه می شوند؟ در همین آیه 2 سوره سجده فرمود: و جعلنا منهم أئمةً يهدون بأمرنا لما صبروا ...؛ چون صابر بودند، به امامت رسیدند، این یکی، ... و كانوا بآياتنا يوقنون؛ در مسائل علمی اهل یقین بودند، در مسائل عملی صابر بودند؛ یعنی در مسائل علمی به فکر و استدلال و حصول ذهنی و صورت ذهنی و أمثال ذلك اکتفا نمی کردند، اهل یقین بودند و در کارهای عملی هم صابر بودند، هم صبر مشخص شد، هم یقین. فرمود: اگر کسی اهل یقین باشد هم وضع بهشت و بهشتیان را هم اکنون می بیند، هم وضع جهنم و جهنمیان را هم اکنون می بیند. اگر کسی اهل یقین باشد. اینچنین نیست که فقط اهل جهنم را ببیند، نه اهل بهشت و خصوصیت بهشت را هم اکنون مشاهده می کند، جهنم و خصوصیت های جهنم را هم، هم اکنون مشاهده می کند. چه کسی به مقام امامت می رسد؟ کسی که اهل یقین است: و كانوا بآياتنا يوقنون؛ این #171؛ کان؛ نشانه استمرار است، سیره علمی آنها سیره یقین بود. يك وقت انسان درباره مطلبی دقت دارد، يك مطلبی برای او خوب حل می شود، اما این سیره او نیست، در بسیاری از مسائل به ظنون و اوهام اکتفا می کند ولی سیره علمی ائمه سیره یقین است، فرمود: و كانوا بآياتنا يوقنون.